

به نام یزدان پاک

نمایشنامه کمدی مشهدی موندنی

نویسنده: حدیث سیرجانیان

کاراکترها:

۱- دختر بس

۲- مشهدی موندنی

۳- مرحومه ماه بس

۴- ننه داوود

۵- ماه بس

خلاصه نمایشنامه:

این نمایشنامه بیشتر راجب افراد سودجو و طمع کار است که همیشه و در هر سن و موقعیتی از طمع دست نمیکشند نویسنده این نمایشنامه سعی دارد موضوعاتی نظیر حرص و طمع و زیاده خواهی این افراد و همینطور تورم و گرانی و مشکلات اقتصادی را در قالب این نمایشنامه به صورت طنز بیان کند

صحنه: اتاقی قدیمی با قاب ها و عکس های قدیمی و کهنه در سمتی از اتاق توالت قرار دارد و در سمت دیگر تخت خواب

-دختر بس دختر بس..... اهایییییییی دختر بسسسسسسسسس
(ارام می گوید)خدا برداره تورو من راحت بشم

- (با عجله و شتاب وارد میشود) بله بله کل مشه دیییییییی

-ییییییییی بله و کوفت بله و زهرمار بله و ازار مگه اینجا خونه پدر بزرگته
تا لنگه ظهر میخوابی

ما تو این خونه قانون و مقررات داریم خانممن بعد قبل از طلوع افتاب
بیدار میشی تمووووومه این خونه رو جارو میکشی بعدشم برای شستن

ظرف ها و لباسها از شیر قطره ای استفاده کن من اینجا پوله دزدی ندارم بدم
واسه قبض خانم

-چ چ چ چچچچشم کل مشهدی رو چشم

- رو چشمت یا رو دماغت رو هرچیت دیگه تکرار نکنم.... خب برو چرا مثل
میمون نگاهم میکنی دختره ی ول بی معنی
(دختربس میرود)

-وایسا... وایسا نرو بیا یه چایی بریز بخورم

-چشم(چایی میریزد و میرود کل مشهدی با حالت تعجب به او نگاه میکند و
فریاد میزند)

-وایسا..... خونه ی بابات خراب با دختر تربیت کردنش اخه من میتونم دولا
بشم که استکان نمیدی دستم
-بخشید حواسم...

-اخره مگه من خدام که اینقدر بخشم برو گمشو تا وقت ناهار نبینمت

(دختربس خارج میشود - کل مشهدی رادیو روشن میکند گزارش اب و
هوایی)

-دختر بس دخترم عزیزکم

-بفرمایید

-مگه امروز چندشنبه هست؟

-پنجشنبه هست چطور مگه؟

- (بلند میگوید)هیچی خواستم واسه رفتگانت فاتحه بخونم هوفففف خب
معلومه منتظر یارانم (از تخت پایین میاد و پول از لا به لای تشک
بیرون میاره)خب بهتره تا این دختره خول و چل تو اشپزخونه سرگرمه من
این پولها رو بشمارم والا ادم باید همیشه حسابه جیشو داشته باشه یک
..... دو سو شوش شکر شکر ده و یک ده و دو ده و سو
(دختربس با جارو وارد میشود-کل مشهدی به روی تخت میپرد)

-چیشده چیشده

- به توجه که چیشده انتر ملو باز فال گوش وایسادی بیام اون گوشای بلبلیتو از جا در بیارم(نفس کم می آورد)
- وای مشهدی چیشد من غلط کردم ...من گوه خوردم
- کم بخور واسه سلامتیت ضرر داره (صدای غره شکم)ای خدا ضعف کردم
- برم غذاتو بیارم
- برو که رودهام دارن کپ میدن
- (دختربس خارج میشود)
- عجب گیری افتادیم ماه بس هنوز نرفته میخواد برگردهموندم مگه اونجا هم شرکت هواپیمایی اسمان داره (اه میکشد)باید به فکره یه چاره باشم (در فکر فرو میرود)
- هاهاها فوقش اگر اومد سوار سفینش میکنم میفرستمش فسا.... نه نه فسا که همین نزدیکی هاست منظورم فضا بود.نه نه اینجوری خرجم بالا میره ...هااااا فهمیدم باید یه زنه خوب و کم خرج بگیرم بلکه ماه بس خودش قهر کنه باهام و نیاد
- (دختربس وارد میشود)مشهدی باکی حرف میزنی..... روم سیاه مشهدی دیوونه شدی
- دیوونه خودتی دختره ابرو قیطونی بده ناهارمو ضعف کردم
- چیش
- چیش تو چشمای کور شدت کو نون
- نون نداشتیم تو راه نونوایی بودم ننه داوود دیدم گفت خودم نون میگیرم واستون میارم
- اره ننه داوود
- خودش میگیره میاد؟
- اره خودش میگیره میاد
- به حسابه کی؟
- بنده خدا هرچه پول تعارفش کردم نگرفت
- تو غلط کردی تعارف کردی از کیسه خلیفه میبخشی(عصبی میشود)

- کلی ... کلی به اعصاب مسلط باش (فرار میکند)

- دختره ی مسخره فکر کرده همسایگی ما کم الکیه پول بهشون
تعارف میکنه جیب اونا جیبه ما والا... (زنگ ایفون - ایفون بر میداره)

- الو کیه

-ننه داوودم

-وایسا الان بازش میکنم (دکمه میزند) باز شد یا پیام؟ الووووو حاج خانم فکرکنم
انتینش رفت

- (ننه داوود وارد میشود) سلام مشهدی موندنی حالتون چطوره

-سلام بر ننه داوود گللالل خوش اومدی صفا آوردی بفرما بشین خانم گل

-مزاحم نمیشم مش موندنی

عیبه (انگشت خود را گاز میگیرد) شما مراحمی بانو ننه داوود (سرش را تکان
میدهد) گنج شدم ببخشید

-بفرمایید نوناتون

-چرا زحمت کشیدی خانم گل یه ایفون میزدی میرفتم براتون میگرفتم میومدم

ا- وا خدا مرگم بده شما رو با این حالتون بفرستم نونوا

-مگه حال چشمه خانم من با این حاله بدم میتونم ۶ تا زن بگیرم

-۶ تا؟ ماشاالله

-خب بگذریم حالا خودت چرا شوهر نکردی ماشاالله خانم به این زیبایی
زرنگی

-والا چی بگم بعد از اون خدابیا مرز دیگه قسمت نبود

-قسمت نبود یا خواستگار نداشتی کلک

-چی

-میگم چندسالته جوون موندی

-۷۳ سال

-ماشالله ماشالله نوم خدا (به النگوهاجر خانم نگاهی می اندازد) طلاس؟

-وایای

-ببخشید شوخی کردم

-حاج خانم

-جونم مش موندنی

-اگر یه خواستگار مثل من جوون...رشید.. مهربان .. و دستو دل باایازرز
بیاد چی جوابش میدی؟

-از شما چه پنهون یک ماه پیش واسم خواستگار اومد داوود ازم فهمید کل
ولاتو با چوب دنبالش کرد

-توبه..... توبه من قصد ازدواج ندارم اگر نظرم عوض شد حتما با
تیلیفون بهت خبر میدم

-وایای

-بفرما خانم در از اون طرفه

-کفتاره دیوونه

-بلندشو خانم

(ننه داوود خارج میشود)

-خوب که بیرونش کردم والا خیلی خطری بود (نون با سبزی میخورد)اه اه با
این نوناشون همش خمیرهدختربس

-بله

- بله و بلا کجا میخوای بری دریس کردی

-امشب عروسیه حاج غلوم علی هست مگه یادت رفته

-اونکه پارسال ازدواج کرد

-چقدر گیجی اونکه ازدواجه دومش بود

-والا خوبه من تو خرج خودم موندم ملت تو این گرونی و نداری روزی یکی عقد میکنن.... واسه چی برو بر منو نگاه میکنی بردار برو صورت

-باشه من رفتم دیگه

-برنگردی (تسبیح میندازد) دختر بس؟خب مثل اینکه واقعا رفتش (از تخت پایین می اید)

-صدام زدی؟وای خدای من معجزه شد شما راه میری

-نه دخترم پنکه تکونم داد

-ماشالله شما چقدر سبکی ...کارم داشتی صدام زدی ؟

-اره دختر این سینی هم ببر بزار سره جاش... میبینی که خودم نمیتونم ببرم

-به روی چشم

-پشه میکشد-از تخت پایین میاد و به سمت دستشویی میرود-زنگ خونه به صدا در میاد-با دو به سمت ویلچر میره و میشینه)

- ک ...ک کککیه؟(با لکنت)

-منم

-منم کیه دیگه

-ماه بسم

-واللهای بسم الله خدایا باز این اومدش حالا چه خاکی تو سرم کنم

-براتون اش پشت پا مسعود رو اوردم

- اه اینکه همسایمونه..... الان باز میکنم

(ماه بس وارد میشود)

-بفرما داخل بانوووو ماشالله فتبارک احسنه الخالقین

-سلام اقا موندنی

-سلام بر تو ای بانوی پاکدامن صفا آوردی همیشه از این کارا کن تشریف بیار
به همسایه ات سر بزن

-والا موندنی از تو چه پنهون همین روزاست که گوسفندامو بفروشم و
شهرنشین بشم گفتم هم اش رو واست بیارم هم حلالیت بطلبم هرچی باشه خیلی
ساله ما همسایه ایم

-اخی(گریه) یک به یک کم میشویم بی تو با خاطره هایت چه کنم

-والا منم مثل شما رفتن از اینجا و دوری واسم سخته اما مجبورم دیگه از
تنهایی خسته شدم منم که جز برادر زاده ام وارثی ندارم گفتم گوسفندامو
بفروشم برم پیش اونا زندگی کنم از تنهایی هم در میام خودتم خوب میدونی
من بعد از مرحوم جعفر قلی خیلی تنها شدم

- خدا بیامرزتش واقعا...خب بمون ولات با خودم ازدواج کن من به این
خوبی خوش اخلاقی تازه خونه ی خدا دیده هستم تموم دخترای این ولات
ارزوشونه همسر من باشن من خودم قبول نمیکنم تازشم گوسفنداتو میاری پیش
گوسفندای خودم اونا هم تنهایی در میان

-والا چی بگم مش موندنی

- فقط برای رسیدن به من عجله نکن عجله کاره بچه شیطونه

-باشه من اول با برادر زادم صحبت میکنم بعد بهتون خبر میدم

-پس من منتظر تیلیفونتم

-یاعلی

-علی یارت

(ماه بس خارج میشود- موندنی چرتکه می اندازد)

-۵۶گوسفند۳۲بز دم کوتاه و ۲تا گوساله ۳تا الاغ و ۱ سگ نگهبان

و ۴۵ تومنم یارانه اش

(دختر بس وارد میشود)

-هی هوی هییییییییی در بزن دختره بز چرون

- در باز بود قرصاتو بیارم بخوری
- بیار اما نصفش کن مابقیش واسه فردا شب این قرصعا عم قیمتشون مثل دلار هی میره بالا
- بفرما اینم قرصت
- بقیه اب هم نریز بزار واسه فردام
- شب بخیر کل موندنی
- شبت شکلاتی دخترم (به خواب میرود-رعد و برق – صدای شکستن شیشه)
- کیه کیههههه ماه بس تویی
- (صدای گربه)
- مرض همون حفته بکشنت ازت کالپاس بسازن مردم ازار(میخواهد-صبح میشود)
- بفرمایید اینم صبحانه
- احسننتنتنتنتنتنتنتنتنت
- کل موندنی میخوام یه چیزی بگم اما ممکنه ناراحت بشی
- بفرما بگو شاید خدا کمک کرد ناراحت نشدم
- صبحی که رفتم سبزی بگیرم ماه بس خانم دیدم گفت سلامتونو برسونم و بگم امروز واسه اعلام نتیجه میاد اینجا
- یه جوری میگه اعلام نتیجه انگار برنامه نوده اینم عادل فردوسی پوره ...خب بیاد
- حله پس ناهار چی بپزم
- کوکو سبزی به مقدار همیشه یک عدد اضافه تر ... از الان باید کم بخوره معدش عادت کنه
- پس من برم ناهار و بپزم الانه که بیاد
- بعد ناهار پختن بیا اینجا کارت دارم

- راجب چی مگه چیزی شده
- بعدا متوجه میشی

(دختربس با عجله خارج میشود)

-الان شتر دره خونمو زده زن پول مال و اموال دیگه چی میخوام اخه؟خدایا
شکر به دست و دل بازیت شکر....اصلا وقتی زن میگیرم چرا شکمه
دختربس رو سیر کنم این چندسال شکمشو سیر کردم بسه از امروز دیگه
باید از این خونه بای بای کنه و بره حاج خانم خودش توانایی پخت و پز
داره

(صدای مرغ)

-درد بگیره تو گلوت فتنه....حالا که تخم مرغ گرون شده عرضه تخم
گذاستن نداری فقط بلدی بگی قود قود قودااااااااااا(رادیو روشن میکند -
افزایش نرخ دلار -آغاز دوره جدید تحریمها-)

-اخ کمرم شکست باید برم دستشویی یه فکر اساسی به حال این اقتصاد کنم
(پلاستیک پولش را از زیر تشک برمیدارد)

گل مریم سر راهه تو پر پر کردم ندانستم قسم های تو باور کردم
(در دستشویی)

-دختر بس اب تو افتابه نیست

-اب قطع کردن امروز

-خونه پدرشون خراب دخترم کیلیلیکس بیار

-از پارسال تا حالا نخریدیم هنوز

-تف تو صورتت تو رو باید روز بهداشت اتیش زد

(زننگ حیاط- موندنی با سرعت به سمت تخت میدود)

-یاالله

-بفرما بانو

-ببخشید سره ظهری مزاحم شدم

-این حرفها چیه اینجا متعلق به شماست

-دختر بس بیار اون سفره رو

- (سفره و سینی و.... می آورد) خوش اومدین

-ممنون دخترگل

-بفرما حاجیه بیا جلو تعارف نکن

-اهل تعارف نیستم من ظهر ها ناهار نمیخورم یخورده معدم حساسه

-الهییی شکرررررررررررررررررررررررر

(ماه با اخم نگاه میکند)

- منظورم اینه که شکر خدا به فکر سلامتی خودتون هستینبه به....
- به به عجب دستپختی داره این دختر البته به گرده پای شما هم نمیرسه
- شما لطف دارید ممنونم میگم که.....
- ای ... ای ... اییی شکمم
- موندنی چیشد خدا بد نده
- اییی (صدای باد معده)
- وا
- معدم واکنش نشون داد (به سمت دستشویی میدود) دختر بس خدا ورت
- داره به اسفالت داغ بچسبی اییییی
- توکه فلج بودی سخته کرده بودی چیشد
- (دختر بس و ماه بس کیسه پول برمیدارن و خارج میشن)
- یه بشکه بیار ... باتو هستما ... الوووو
-دختر بس؟اه اینا کجارفتن کیسه ام کو؟
- خدایا ن ن ن نهههههههههه (با ویلچر خارج میشود-نور میرود)

(تقدیم به دوست هنرمندم خانم کوثر کارگر)

شماره تماس نویسنده: ۰۹۱۷۰۱۵۷۴۲۳

هر گونه کپی برداری و اجرا بدون مجوز نویسنده پیگرد قانونی دارد